

جریان سیال ذهن شکلی روایی از روایت داستان است که ویژگی‌های اصلی آن نا هماهنگی و دستورات غلط زمانی پی در پی، درهم ریختگی دستوری و سجاوندی و علامت گذاری، تبعیت از زمان ذهنی شخصیت داستان (روایت توسط نویسنده) و گاه نوعی شاعری در زبان است که به دلیل انعکاس ذهنیات مرحله پیش از گفتار و قبل از بیان محتویات ذهن شخصیت رخ می‌دهد. می‌توان **جریان سیال ذهن** را وجوه بازنمایی و گفتمان ذهنیات شخصیت انتخاب شده درون داستان خواند و انواع آن را بیان کرد.

ساختار و توضیحات بسیار مختصر از زبان نویسنده

نویسندگان **جریان سیال ذهن** برای انعکاس ذهنیات شخصیت‌های داستان، از شیوه‌های متعدد و متفاوتی استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین این تکنیکها عبارتند از:

- تک‌گویی درونی مستقیم.
- تک‌گویی درونی غیرمستقیم
- دیدگاه دانای کل و حدیث نفس (Soliloquy and nous)

تک‌گویی درونی

تک‌گویی درونی شیوه‌ای از روایت است که در آن تجربیات درونی و عاطفی شخصیت‌های داستان، در سطوح مختلف ذهن در مرحله پیش از گفتار نمایانده می‌شوند.

لایه ی پیش از گفتار

مقصود از سطح پیش از گفتار **ذهن**، لایه‌هایی از آگاهی است که به سطح ارتباطی (گفتاری یا نوشتاری) نمی‌رسد و برخلاف لایه‌های گفتار، دارای مبنای ارتباطی نیست. در لایه‌های گفتار، نظم و عقل و منطق و ترتیب زمانی حاکم است و گاهی محتویات ذهن در این لایه‌ها سانسور می‌شود اما در لایه‌های پیش از گفتار ذهن، نه ترتیب زمانی مطرح است، نه نظم منطقی و نه سانسور. (البته باید مراقب بود که سطح پیش از گفتار **ذهن** با ناخودآگاه یا ضمیر ناهشیار اشتباه گرفته نشود. سطح پیش از گفتار نیز در بخش آگاه **ذهن** قرار دارد ولی محتویات آن عیناً در گفتار ما منعکس نمی‌شود) به دلیل گسیختگی افکار و تصاویر در این لایه از آگاهی، در تک‌گویی درونی با ترکیب‌های غیردستوری، عدم رعایت قواعد نحوی، پرهیز از نشانه‌گذاری درست، جملات و عبارات ناقص و... مواجه می‌شویم. فرض کنید که شما دوست خودتان را می‌بینید و می‌خواهید با او یک شوخی با مزه انجام دهید و یا چیزی با مزه به او بگویید:

ولی چون با او صمیمی نشده اید این گفتار خود را از فیلتر ذهن خود رد می کنید. قاعده های زمانی در این تکنیک پی در پی نیستند. نمونه ی بارز همین تکنیک را در هنگام خواب رفتن می توانید تصور کنید که چگونه فکر شما با حالتی نامنظم قدرت پردازش خاطرات را دارد.

تک گویی درونی به زبانی بسیار ساده

شیوه ایی از روایت داستان در سبک **جریان سیال ذهن** است که در آن تجربیات شخصیتی ، درونی و عاطفی شخصیت های داستان، در سطوح مختلف ذهن در مرحله ی پیش از گفتار بیان می شود. یعنی خود شخصیت محتویات ذهنش را بیان می کند. مقصود از لایه ی پیش از گفتار ذهن ، جایی است که قبل از سخن گفتن کلمات شکل می گیرد و **ذهن** براساس خاطرات و محتویات **ذهن** جمله می سازد. در لایه های پیش از گفتار ذهن، نه ترتیب زمانی مطرح است، نه نظم منطقی و نه سانسور، این یعنی ذهن محتویات و اطلاعات را به صورت کامل پردازش کرده و بعد از طریق سانسور و فیلتر اطلاعات ، خاطرات و محتویات را بیان می کند.

تک گویی درونی مستقیم

تک گویی درونی را به **تک گویی درونی مستقیم** و **غیرمستقیم** تقسیم بندی کرده اند. مبنای این تقسیم بندی نیز حضور یا عدم حضور نویسنده در داستان است. در تک گویی درونی مستقیم (Direct Interior Monologue)، نویسنده غایب است و تجربیات درونی شخصیت به طور مستقیم از ذهن و محتویات گفتار او عرضه می شود؛ بنابراین خواننده نیازی به صحنه آرای و راهنمایی نویسنده ندارد.

تک گویی درونی غیر مستقیم

در تک گویی درونی غیرمستقیم ((Indirect Interior Monologue نویسنده در داستان حضور دارد و همپای تک گویی درونی شخصیت حرکت می کند و ذهنیات او را به خواننده منتقل می کند. در این شیوه از تک گویی درونی نیز، نویسنده دانای کل، محتویات لایه های پیش از گفتار را چنان ارائه می کند که

گویی این مطالب مستقیماً از ذهن شخصیت ارائه می‌شوند. با این تفاوت که نویسنده مطالب را از زبان خود و با زاویه دید سوم شخص روایت می‌کند و گاهی توضیحاتی هم در مورد ذهنیات شخصیت می‌افزاید.

تک‌گویی درونی به زبانی ساده

تک‌گویی درونی همان گونه که از اسمش پیداش : تک‌گویی: یعنی یا نویسنده سخن می‌گوید یا شخصیت. حالا درونی یعنی چه ؟ یعنی تمرکز نویسنده یا شخصیت روی یک نفر و یا یک شخصیت درون داستان.. مستقیم : یعنی نویسنده در بازنمایی و روایت محتویات **ذهن** هیچ نقشی ندارد و عملاً بازنمایی را به عهده ی شخصیت داستان می‌گذارد. غیر مستقیم: یعنی شخصیت در درون داستان و وجوه بازنمایی محتویات ذهن هیچ تاثیری ندارد و عمده ی کار روایت بر عهده ی نویسنده است.

معروف‌ترین و هنرمندانه‌ترین قطعه‌ای که به شیوهٔ تک‌گویی درونی مستقیم نوشته شده‌است، بخش آخر رمان اولیس اثر جیمز جویس است. این قطعهٔ طولانی که چهل و پنج صفحه از رمان را دربرگرفته‌است و کتاب با آن به پایان می‌رسد مربوط به صحنه‌ای است که مالی بلوم، یکی از شخصیت‌های اصلی رمان در بستر دراز کشیده و بدون آن که هیچ محرک خارجی بر جریان افکار او اثر بگذارد، خاطرات و اندیشه‌ها و تداعی‌های ذهنش یکدیگر را در بر می‌گیرند و ادامه می‌یابند تا مالی کم‌کم به خواب می‌رود. این چهل صفحه اصلاً دارای علائم سجاوندی نمی‌باشد.

نظر منتقدان بر جریان سیال ذهن و تک‌گویی درونی

برخی از منتقدان، تک‌گویی درونی را مترادف با **جریان سیال ذهن** به کار می‌برند یا آن را اصطلاحی عام می‌دانند که شیوه‌های متعدد داستان‌های **جریان سیال ذهن** را شامل می‌شود، اما بیشتر صاحب‌نظران بر آنند که تک‌گویی درونی یکی از تکنیک‌های ارائه محتویات ذهن در داستان‌های **جریان سیال ذهن** است.

استفاده از تکنیک های دانای کل و حدیث نفس

در رمان‌های **جریان سیال ذهن**، علاوه بر تک گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم از شیوه‌های دیگری نیز استفاده می‌شود که هر چند کاربرد آن‌ها در ادبیات داستانی سابقه‌ای طولانی دارد، اما نویسندگان جریان سیال ذهن از آن‌ها استفاده خاصی می‌کنند. مهم‌ترین این شیوه‌ها، نوع خاصی از دیدگاه **دانای کل** و **حدیث نفس** است. زمان در این نوع داستانها به صورت غیر خطی است، یعنی ممکن است در یک پاراگراف جملاتی مبهم از زمانهای مختلف، بدون هیچ اشاره روشن‌کننده یا توضیحی از طرف نویسنده یا راوی، بیان شود. نویسنده ممکن است، بدون استفاده از نشانه‌گذاری مناسب، از صحنه‌ای به صحنه دیگری، یا از اندیشه‌های کسی به سخنان کسی دیگر پریده و مجدداً به اول بازگردد. حتی راوی داستان نیز ممکن است تغییر کند.

بیشتر بخوانید : ضمیر نا خودآگاه را بهتر بشناسید!

توضیح مختصر و به زبان ساده از جریان سیال ذهن

برای اکثر و یا حتی بیشتر از ۸۰ درصد انسان ها ، حادثه یا مکانی اتفاق می افتد که در آن همه ی ما خاطر گذشته ، آینده و حال را تحلیل و پردازش می کنیم. به این نوع از تحلیل و پردازش ذهنی که در این نوع پردازش هیچ گونه تفاوتی بین صدا و تصویر همان خاطره و جود ندارد. یعنی اینکه چه بسا امکان دارد که تصویر آن خاطره به یاد شما بیاید و نه صدا و عکس العمل شما. پردازش **جریان سیال ذهن** را برای اولین بار **روان شناس** آمریکایی به نام ویلیام جیمز در کتاب قوانین **روانشناسی** مطرح نمود. پیش از طرح این مسئله توسط وی **روانشناسان** و **روان یزشکان** با مشکل رو به رو بودند و نمی توانستند طرح درستی از این مطلب ارائه کنند.

در این تکنیک ذهن شما حالتی آرام و یا مضطرب پیدا کرده و براساس شرایط و بیشتر اوقات در قالب های زمانی غیر قابل تایید شروع به بازآوری ذهنیات شما می کند. این قالب نامنظم ممکن است حالتی باشد در آینده و یا حال و یا همین چند دقیقه ی گذشته. در **ذهن** هیچ قاعده و قانون مشخصی برای بیان خاطرات و قواعد حاکم بر **ذهن** وجود ندارد. ترتیب قواعدی و زمانی در این مسئله در ذهن حاکمیت ندارد. به دلیل این که **جریان سیال ذهن** هر شخص متوجه خود اوست از این رو باز آوری شخصیت و خاطرات وی را تک گویی درونی می نامیم چرا که کسی به غیر از خودش از این حوادث و خاطرات مطلع

نیست. این تکنیک در لایه ی پیش از گفتار ذهن (لایه ی پیش از گفتار ذهن را باید قسمت خود آگاه ذهن نامید) رخ می دهد در لایه پیش از گفتار ذهن محتویات ذهن و شرط ادب و مناسب بودن حالت و موقعیت باعث می شود تا مطالب درون ذهن سانسور شود. مثلا اگر شما دوست خود را ببینید در حالی که با او صمیمی نیستید و خیلی با او آشنایی ندارید ممکن است در ذهن خود بگویید که طرف چقدر خوش تیپ است!

در ادامه تاریخچه ی این تکنیک در صنعت فیلم سازی با صحنه ایی از فیلم بسیار زیبایی اغما به کارگردانی آقای سیروس مقدم می پردازیم . در صحنه ایی که دکتر پژوهان با به فکر فرو رفتن خاطرات خود را یاد آوری می کند مثل صحبت با الیاس و یا عوامل اجرایی بیمارستان. در رمان نویسی و ادبیات جهان این تکنیک تا اکنون کاربرد بسیار زیادی در حیطه ی داستان نویسی داشته است. یکی از بهترین استفاده های این تکنیک در ادبیات انگلیسی رمان یولیس نوشته ی جیمز جویس است که در ۴۵ صفحه ی آخر آن (۴۵ صفحه بدون نقطه) نویسنده و شخصیت اصلی داستان در حال پردازش خاطرات ذهنی شخصیت دارند. بعد های نویسندگان زیادی از این قوانین پی روی کردند. در ادبیات معاصر و [روانشناسی مدرن](#)، ایرانی ها این تکنیک را نادیده نگرفتند و با به کار گیری این تکنیک ها به غنای ادبیات فارسی کمک بسیار شایانی نمودند.

رمان های معروف در ادبیات انگلیسی که از [جریان سیال ذهن](#) بهره می برند:

-خشم و هیاهو نوشته ی ویلیام فاکنر

-موج ها از ویرجینیا ولف

- یولیس از جیمز جویس

- خانه از ویرجینیا ولف

از ادبیات فارسی:

- سنگ صبور از صادق چوپک

- قاعده ی بازی اثر هرمز شهدادی

- شازده احتجاب هوشنگ گلشیری

- دلدادگی اثر شهریار مندنی پور

درونی: در این تکنیک شخصیت و یا نویسنده در درون خودشان خاطرات را باز گویی می کنند که این خود به دو دسته ی مستقیم و غیر مستقیم تبدیل خواهد شد. تگ گویی درونی مستقیم یعنی این که نویسنده در داستان درگیر می شود و در خاطرات شخصیت نفوذ کرده و با بازآوری او پیش می رود. اما در تگ گویی درونی غیر مستقیم نویسنده در داستان با شخصیت درگیر نیست و این شخصیت است که خود به تنهایی خاطرات خود را باز آوری می کند.

غیر درونی: ممکن است این گونه از باز آوری خاطرات را میان دوستانان و در جمع های خانوادگی مطرح کنید ، این نوع از تگ گویی یعنی این که در درون شما رخ نمی دهند و در ماکن های مختلف و با اشخاص مختلف به خود حالت می گیرند.

حدیث نفس: در این قسمت حدیث نفس یعنی خودتان و یا از لحاظ ادبی بگوئیم که شخصیت در حال پردازش و فیلتر کردن افکار خود بر اساس نیاز ها و شرایط خودش است.

دانای کل: یعنی این نویسنده و یا شخصیت تمامی ابعاد خود و محیط را می دانند و از آن اطلاع دارند.

در مطالب بعدی با این تکنیک و مدرن بودن آن در روانشناسی امروز و ادبیات مدرن با هم گفت و گو خواهیم کرد.

منابع:

- حسین بیات، داستان نویسی جریان سیال ذهن، انتشارات علمی و فرهنگی (تهران)، ۱۳۸۷
- حسین بیات، خطاهای رایج در شناخت شیوه جریان سیال ذهن، فصلنامه نقد ادبی، شماره ۳۰، ۱۳۹۴
- صالح حسینی و پویا رئوفی، گلشیری کاتب و خانه روشن، انتشارات نیلوفر (تهران)، ۱۳۸۰